



## امیر آسمانی

امیر سرلشکر شهید عباس بابایی

شهید عباس بابایی در سال ۱۳۲۹ در یکی از محروم ترین نقاط شهرستان قزوین و در یک خانواده مذهبی به دنیا آمد. وی پس از اخذ دیپلم، با شرکت در کنکور سراسری در رشته پزشکی پذیرفته شد اما به دلیل علاقه وافر به خلبانی، انصراف داد و در سال ۱۳۴۸ وارد دانشکده خلبانی نیروی هوایی شد. عباس پس از گذراندن دوره مقدماتی پرواز، برای تکمیل فن خلبانی و گذراندن دوره پیشرفته، به کشور آمریکا اعزام شد. پس از بازگشت از آمریکا، در سال ۱۳۵۱ به عنوان خلبان اف-۵ در پایگاه چهارم شکاری دزفول مشغول به خدمت شد.

بابایی در آبان سال ۱۳۵۵ برای پرواز با اف-۱۴ انتخاب و به پایگاه هشتم شکاری اصفهان منتقل شد. عباس چنان مهارتی در هدایت اف-۱۴ پیدا کرد که به عنوان یکی از بهترین خلبان‌های اف-۱۴ انتخاب شد. وی بعدها با شهامتی که از خود نشان داد، برای اولین بار در ایران سوخت‌گیری در شب را با این هواپیما انجام داد.

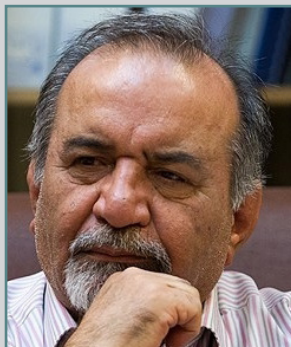
با پیروزی انقلاب شهید بابایی به همراه شهید اردستانی اقدام به تشکیل هسته تشکل خلبان‌های حزب اللهی در پایگاه‌های تبریز و اصفهان می‌کند. پس از شروع جنگ، بابایی همچون دیگر تیزپروازان نیروی هوایی حضوری گسترده و چشم‌گیر در جبهه‌های جنگ و عملیات برون مرزی دارد. یک سال پس از آغاز جنگ بابایی به دلیل کارآمدی، فعالیت‌های شبانه‌روزی و رشادتهایی که از خود نشان داد، با ارتقا به درجه سرهنگ دومی، به عنوان فرمانده پایگاه هوایی اصفهان منصوب می‌شود. او در نهم آذر سال ۱۳۶۲ ضمن ارتقای درجه به سرهنگ تمامی، به عنوان معاون عملیات فرماندهی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران منصوب می‌شود.

در نهایت در ۱۵ مرداد ۱۳۶۶ در عملیات هوایی در سردشت، هواپیمای وی هدف قرار می‌گیرد و عباس بابایی به دیدار معبود می‌شتابد.

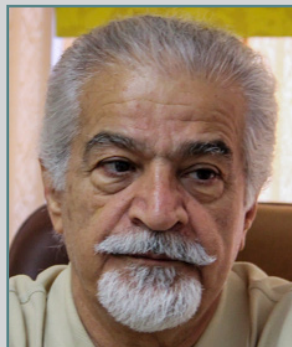
# شهید بابایی

## علاقه‌مند به پرواز بود

بهترین افرادی که می‌توانند از مدیریت و فرماندهی شهید عباس بابایی در نیروی هوایی ارتش سخن بگویند، فرماندهانی هستند که سال‌ها با او همراه بوده و در سخت‌ترین لحظات شاهد تصمیم‌گیری و فرماندهی وی بوده‌اند. از این رو به سراغ سه نفر از فرماندهان سابق نیروی هوایی ارتش که از هم‌زمان و همراهان شهید عباس بابایی بودند، رفتیم تا از امیر آسمانی کشورمان برایمان بگویند. در ادامه محصل گفت‌وگوهایی ما را می‌خوانید:



سرهنگ فریدون علی‌مازندرانی



امیر علی‌خان اشرفی



امیر حسین خلیلی

می‌شدیم تا پنج و شش بعد از ظهر، اگر پرواز شب نداشتیم با هم بودیم. من به نسبت دیگران با عباس ارتباط نزدیکتری داشتم و می‌توان گفت تنها کسی که با شهید بابایی با ته لهجه شیرین قزوینی مزاح می‌کرد، من بودم. پس از گذراندن دوره آموزشی اف-۱۴ در گردان ۸۱ شکاری پایگاه اصفهان (خاتمی سابق و منطقه شهید بابایی فعلی) هر دو به عنوان خلبان شکاری مشغول انجام وظیفه شدیم. در بدو کارمان در پایگاه دزفول با هواپیماهای اف-۵ A و اف-۵ B پرواز می‌کردیم؛ اما از زمانی که هواپیماهای اف-۵ E در نهاجا بکارگیری شد، به پایگاه چهارم رفتیم، تا دوره آموزشی آن را بگذرانیم. عباس از قبل از انقلاب یک انسان متدین بود؛ در همه برنامه‌ها شرکت می‌کرد و مسائلی را که باید رعایت می‌کرد. جناب سروان احمد سپری فرمانده گردان، همیشه سرکوفت عباس را به ما می‌زد؛ چون در پایگاه که بودیم و در حالت اسکرامل نباید لباس‌های پروازی از ما جدا میشد، اما عباس سر ظهر پوتینش را در می‌آورد و نماز می‌خواند و جناب سروان سپری به ما توصیه می‌کرد که مثل عباس باشیم.

### ابتکار شهید بابایی

امیر خلیلی: هیچ راداری قادر به رصد جنگنده‌ها نبود و رسیدن

نظر مالی تامین بودیم نیازی به این مسائل نداشتیم و فقط به فکر اهداف و ارتقا خود در مسائل پروازی بودیم؛ تاکتیک‌های مختلف خلبانی را به خوبی تمرین می‌کردیم و در راستای پویایی و تکامل گام برمی‌داشتیم.

### فرمانده می‌گفت مانند عباس باشید

سرهنگ مازندرانی: از سال ۱۳۵۳

وارد پایگاه دزفول شدم. پس از اتمام دوره پروازی با هواپیماهای اف-۵ با شهید بابایی در یک گردان بودیم؛ در گردان ۴۲ شکاری پایگاه چهارم شکاری دزفول (وحدتی سابق). البته قبل از اینکه وارد گردان ۴۲ شکاری شوم، در گردان ۴۱ آموزشی اف-۵ بودم با عباس آشنا شدم.

اوایل سال ۵۶ شهید بابایی وارد دوره آموزشی اف-۱۴ شد و من نیز در آذر ماه همین سال وارد دوره شدم و با هم بودیم تا روزی که عباس به شهادت رسید. آن زمان (اوایل سال ۵۶) من و عباس جزو کسانی بودیم که برای آموزش اف-۱۴ انتخاب شدیم؛ اما من بنا به دلایلی هم‌زمان با عباس در دوره حاضر نشدم و آذر ماه وارد دوره شدم.

من و عباس پروازهای مشترک زیادی را با همدیگر انجام دادیم. معمولاً روزی بین دو تا سه سورتی پرواز داشتیم. یک سورتی یا آماده بودیم و اسکرامل می‌دادیم و یا کاروان می‌دادیم. این بود که همیشه با هم بودیم. یعنی از ساعت شش صبح که وارد گردان

جبهه گناهان را پاک می‌کند. به هر حال به قرارگاه نجف سپاه اعزام شدیم و از آنجا هم به منطقه رفتیم تا در کنار بسیجی‌ها باشیم.

### منظم و علاقه‌مند به پرواز بود

امیر خان اشرفی: عباس بابایی فردی بسیار مؤدب، با اخلاق و سلیم‌النفس بود و به رغم مشغله کاری و مشکلات همواره تبسم بر شوخی و مزاح نبود و اگر هم کسی می‌خواست باب شوخی را با وی باز کند، با رفتاری بسیار ظریف و ملیح به طرف مقابل می‌فهماند که اهل شوخی نیست. ورزشکار بود و بین رشته‌های ورزشی بیشتر به والیبال علاقه‌مند بود.

عباس خوش قد و قامت و ورزیده بود و در طول مدتی که فرمانده‌اش بودم به یاد ندارم که هرگز تذکری فنی و یا اخلاقی به وی داده باشم؛ او بسیار منظم و اهل مطالعه و علاقه‌مند به پرواز بود.

در آن زمان ما ۵ روز در هفته کار می‌کردیم و دو روز آخر هفته را تعطیل بودیم؛ البته این ۵ روز شامل پروازهای شب و روز می‌شد. در محیط بسته پایگاه شکاری اصفهان که در ۳۵ کیلومتری شهر واقع بود به دور از هیاهوی دنیای خارج، در حال خدمت و انجام وظایف بودیم و اصلاً نمی‌دانستیم در بیرون از پایگاه چه خبر است.

خصوصاً اینکه از مسائل اقتصادی که قشر وسیعی از مردم با آن مواجه بودند دور بودیم؛ چون از

### حضور در جبهه‌ها

امیر خلیلی: یکی از ویژگی‌های شهید بابایی، حضور در کنار بسیجیان به عنوان یک رزمنده بود و این روحیه وی باعث شده بود تا ما هم مشتاق حضور در جبهه‌ها باشیم. اسفند ماه ۱۳۶۲ بود که عملیات خیبر در حال انجام بود، اتفاقی روی داد که مرا تحت تاثیر قرار داد؛ لذا با یکی از خلبانان جنگنده اف-۱۴ نزد شهید عباس بابایی حضور یافتیم و درخواست کردیم که اجازه حضور زمینی در جبهه‌های حق علیه باطل را به ما بدهد.

شهید بابایی نگاه عمیقی به ما کرد و گفت: ما شما را بیش از خانواده خود دوست داریم! چند ماهی از آن ماجرا گذشته بود و همچنان به عنوان خلبان جنگنده اف-۱۴ مشغول دفاع از آسمان کشورمان بودیم؛ که یک روز فرمانده پایگاه هوایی، جناب عطایی به ما گفت که شهید بابایی از شما خواسته است که به منطقه عملیاتی اعزام شوید. باور نکردم، با شهید بابایی تماس گرفتم و گفتم که برای چه ما باید به منطقه اعزام شویم؟ ما که در زمین کاری از دستمان بر نمی‌آید! شهید بابایی گفت: یادتان هست می‌خواستید به جبهه بیایید و من اجازه ندادم، گفتم بله یادم هست. شهید بابایی گفت: پس سر قول خود هستید؟ جواب دادم بله هستم. شهید بابایی گفت: لطفاً به منطقه عملیاتی اعزام شوید؛ چون خاک

به مرزهای بین المللی و جاده العماره برای رزمندگان مشکل بود، لذا برای اینکه این نقص برطرف شود، شهید بابایی دست به ابتکار زده بود.

شهید بابایی از ما خواست که با یک دستگاه بی‌سیم در نقاط مختلف هورالهوریزه مستقر شویم و با چشم و بی‌سیم، هواپیماها را در آسمان رصد کنیم. اگر هواپیمای خودی بود، راهنمایی کنیم که هواپیماهای متجاوز را مورد هدف قرار دهند و یا اگر هواپیماهای متجاوز خواستند تهدیدی برای هواپیماهای خودی باشند و یا آن‌ها را غافلگیر کنند، دستورالعمل بدهیم تا جنگنده‌های خودی اسیر غافلگیری هواپیماهای متجاوز نشوند.

ماموریت ما یک هفته از صبح تا غروب طول کشید و پوشش هوایی به صورت منظم در کل منطقه هورالعظیم و هورالهوریزه انجام شد و ۱۷ هزار نیرو توانستند بدون هیچگونه تهدیدی در این منطقه تردد داشته باشند و به پیشروی‌های خود ادامه دهند.

### پشتیبانی از نیروهای سپاه و بسیج

**امیر خان اشرفی:** بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، به فرماندهی پایگاه شکاری اصفهان منصوب شدم. یک روز عباس را دیدم که به طرفم می‌آید؛ ایشان در برخوردی که با دیگران و خصوصا با ارشد‌ها داشت بسیار متواضعانه رفتار می‌کرد، همین طور که سرش پایین بود به من گفت: «یک خواهشی از شما دارم»؛ من گفتم عباس جان بفرما در خدمتیم؛ او گفت «خواهش دارم شما رزمندگان سپاهی و بسیجی را که در اصفهان هستند پشتیبانی کنید»؛ گفتم چه نوع پشتیبانی مدنظر شماست؟ عباس گفت «اینها برای حمل و نقل وسایل

و مسافرانی که دارند نیاز به کمک شما دارند، لطفا در صورت امکان با هواپیمای سی ۱۳۰ که در اختیار دارید نیازشان را برطرف کنید»؛ من هم گفتم اشکالی ندارد اگر شما تایید می‌کنید ما کمکشان می‌کنیم؛ چون آن زمان ما شناختی از سپاه و نوع سازماندهی‌اش نداشتیم و ارتش هم اصلاً اجازه نداشت که در مسائل سیاسی وارد شود و یا اینکه خارج از چارت سازمانی عمل کند. این بود که ما خیلی نسبت به تحولات آگاهی نداشتیم و بیشتر در پایگاه به رسالتی که داشتیم می‌پرداختیم.

طبق قولی که به عباس دادم در چند نوبت خانواده‌های پاسداران و بسیجیان را به انضمام اسباب و وسایلشان و حتی ادوات نظامی سپاه همچون توپ و تانک و دیگر تسلیحاتشان جابه‌جا کردیم؛ تا اینکه من به تهران منتقل شدم و عباس به سمت فرماندهی پایگاه اصفهان منصوب شد. بابایی بعد از اینکه خودش فرمانده پایگاه اصفهان شد، باز هم این خدمت را به پاسداران و بسیجیان و خانواده‌های آنان ارائه می‌کرد.

### ارتباط شهید بابایی با نیروهای انقلابی

**سرهنگ مازندرانی:** می‌توانم بگویم پایگاه اصفهان سیاسی-نظامی‌ترین پایگاه نظامی ایران بود؛ چون طیف‌های مختلف در آنجا نفراتی را به عنوان طرفداران خود داشتند.

به خاطر وضعیت خاص اصفهان، در این شهر شش ماه زودتر از سایر مناطق کشور حکومت نظامی اعمال شده بود. فکر می‌کنم آن زمان سرتیپ ناجی فرماندار نظامی اصفهان بود؛ که از افسران بخش توپخانه و موشک‌های اصفهان بود.

آن زمان یک یگان از نیروی

زمینی را در پایگاه هشتم شکاری (که آن زمان پایگاه خاتمی نام داشت) مستقر کرده بودند. حتی در مقابل گردان ۸۲ که ما جزو آن بودیم به فاصله تقریبی ۱۰ متری درب گردان یک تانک مستقر کرده بودند که لوله تانک به سمت گردان ما بود، و این یگان به عنوان یکی از عوامل حکومت نظامی در آنجا حضور داشت.

در دوران انقلاب، گوش دادن به اخبار رسانه‌های بیگانه برای ما ممنوع بود؛ اما بچه‌ها شبانه اخبار این رسانه‌ها را ضبط و صبح روز بعد برای همه بچه‌ها پخش می‌کردند.

در آن دوران کارهایی که هر کس در مسیر پیشبرد اهداف انقلاب باید انجام می‌داد مشخص شده بود و طبق برنامه به انجام کارهای خود می‌پرداختیم.

اخبار خاص را از پدرم که بازنشسته گارد شاهنشاهی بود به دست می‌آوردیم و ایشان لحظه به لحظه تغییرات و جابجایی‌ها را به من انتقال می‌داد؛ بنا بر این اطلاعات ما از کسانی که در تهران مستقر بودند، دقیق‌تر بود. اقدامات ما نیز بر اساس همین اطلاعات انجام می‌شد.

شهید بابایی هم در روزهای نزدیک به پیروزی انقلاب، ارتباطاتش را با مهره‌های اصلی انقلاب که در اصفهان بودند، برقرار کرده بود.

### عاشق مبارزه با منافقین بود

**امیر خان اشرفی:** روند کاری من به این ترتیب بود که اگر طرح یا ماموریتی براساس داده‌های اداره دوم ستاد مشترک به دستم می‌رسید، باید آن را بررسی کرده و متناسب با آن دستورالعمل‌هایی صادر می‌کردم و به پایگاه‌هایی که از نظر مسافت در نزدیکترین نقاط به اهداف قرار داشتند

می‌فرستادم، تا نقاط حساس و حیاتی دشمن را در زمان مقرر منهدم کنند، که در نهایت همه این‌ها را باید شهید بابایی تایید و سپس فرمانده نیروی هوایی رؤیت و امضا کرده و در مرحله آخر به پایگاه مورد نظر ابلاغ می‌کردند.

در یکی از ماموریت‌هایی که ما برای پایگاه تبریز تعیین کرده بودیم، به ما اطلاع داده بودند که در مختصات جغرافیایی واقع در منطقه اربیل عراق «مسعود رجوی» سرکرده منافقین در یک منزل مسکونی مستقر و پنهان شده است؛ لذا دستور دادند تا نیروی هوایی آن محل را بمباران کند که طبق بررسی‌های انجام شده، نزدیکترین پایگاه جهت اجرای این عملیات تبریز بود. ما دستور پروازی را در این خصوص به پایگاه تبریز صادر کردیم و طبق معمول عباس هم به عنوان معاون عملیات باید آن را امضا می‌کرد.

هنگامی که عباس نامه را خواند متوجه شد که آن لحظه حساس که همیشه انتظارش را می‌کشید فرا رسیده است، لذا بدون اینکه به کسی خبر بدهد شبانه آماده می‌شود و خودش را با اتوبوس به تبریز می‌رساند و چون در آن مقطع معاون عملیات یعنی شخص سوم نیروی هوایی کشور است، دستور می‌دهد به جای هواپیمای اف ۵ تک کابین یک هواپیمای اف ۵ دو کابین را مجهز کنند تا خودش هم در اجرای این عملیات سهیم باشد.

عباس که به امام (ره) و انقلاب ارادت خاصی داشت، می‌خواست در نابودی دشمنان اصلی نظام و انقلاب یعنی منافقین کوردل و سرکرده آنان نقش داشته باشد، از این رو برای اینکه رسالت خود را به درستی انجام دهد، حاضر نشد در تهران بماند و از دور قضایا را دنبال کند؛ لذا خود را به مخاطره انداخت.

### گفت‌وگو



## دغدغه بابایی حفظ بیت المال بود

### امیر سرتیپ بقایی:

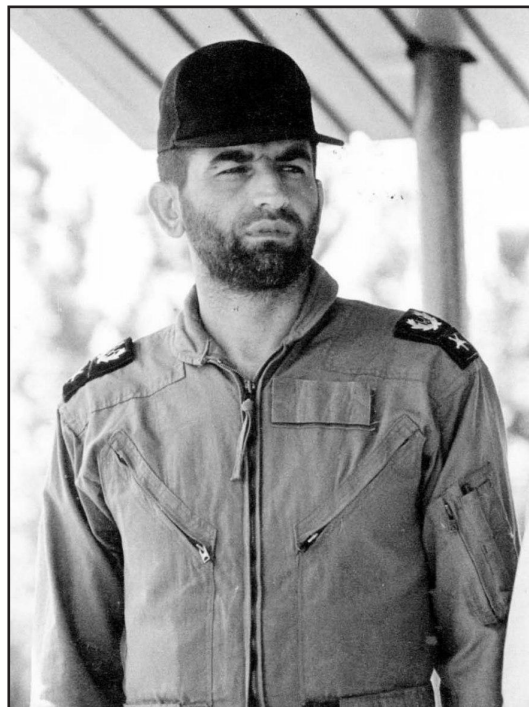
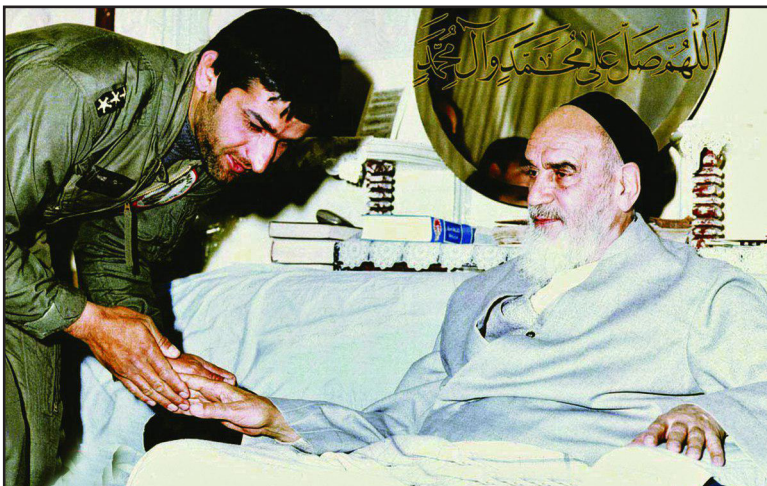
فرمانده اسبق، نیروی هوایی ارتش

همیشه در دعایم از شهید بابایی خواسته‌ام که به خواصم بیاید و اذن نوشتن به من بدهد و تا زمانی که آرزویم برآورده نشود این کار را نخواهم کرد. ولی در خصوص شهید بابایی نه‌ای یک جمله می‌توانم بگویم و آن این است که وی به اذن پروردگار از فرماندهان نیروهای بسیج امام زمان (عج) خواهد بود.

این بود که در دوران خدمتش هیچ خسارتی به بیت المال وارد نشد. اتفاقاً نحوه‌ی شهادت او نیز به گونه‌ای بود که خسارتی به هواپیمایش وارد نشد و تنها طلق کانونی جنگنده‌اش آسیب دید.

من به عنوان یکی از هم‌زمان شهید بابایی خاطرات ناگفته‌ی بسیاری در رابطه با این شهید بزرگوار دارم.

شهید بابایی انسانی استثنایی، ویژه و خاص بود که سه روز قبل از شهادتش بنده در خدمتش بودم. سه روز قبل از شهادتش با هم به همدان رفتیم و سپس به تبریز رفت و آخرین پروازش را انجام داد و در نهایت در روز جمعه و عید سعید قربان و در وقت اذان ظهر به شهادت رسید. یکی از دغدغه‌های شهید بابایی



● شهید بابایی در کنار رهبر معظم انقلاب و امیران ظهیر نژاد و سپهرایی



● تشییع پیکر شهید عباس بابایی

**کتاب پرواز تابی نهایت**

یادنامه امیر سرلشکر شهید عباس بابایی

انتشارات ارشد

